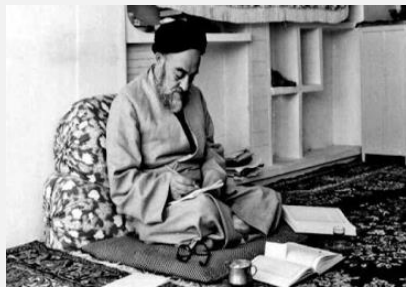


علامه‌ای که سه فرزندش در نوزادی جان سپردند

علامه‌ای که لقب قاضی را نپذیرفت و «طباطبایی» را زینده خود کرد، 39 سال با همسرش عاشقانه زندگی کرد و سه فرزندش در نوزادی و کودکی جان سپردند. او 10 سال از عمرش را صرف بیل زدن و آبادانی زمین‌های کشاورزی روستا کرد و نوشتن ماندگارترین اثر مکتوب تاریخ را بعد از 17 سال به پایان رساند.



علامه‌ای که لقب قاضی را نپذیرفت و «طباطبایی» را زینده خود کرد، 39 سال با همسرش عاشقانه زندگی کرد و سه فرزندش در نوزادی و کودکی جان سپردند. او 10 سال از عمرش را صرف بیل زدن و آبادانی زمین‌های کشاورزی روستا کرد و نوشتن ماندگارترین اثر مکتوب تاریخ را بعد از 17 سال به پایان رساند. به گزارش ایسنا، امروز 25 آبان ماه چهلمین سالگرد درگذشت آیت الله العظمی سید محمدحسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی در سال 1360 است. اجداد و نیاکان علامه طباطبایی از طرف پدری به امام حسن مجتبی (ع) و از طرف مادری به امام حسین (ع) ختم می‌شود. سید محمدحسین، جد علامه طباطبایی (ره) از شاگردان و دوستان صمیمی شیخ محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر، صاحب کتاب جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام بود و نامه‌ها و نوشته‌های شیخ را به دلیل خوش خط بودن، بازنویسی می‌کرد. ایشان خود مجتهد بود و به علوم غریب از جمله رمل، جفر و ... تسلط داشت. با این حال اما سید محمدحسین کهن سال از نعمت داشتن فرزند محروم بود. روزی هنگام تلاوت سوره انبیاء با قرائت آیه 83 این سوره و خواندن آیه «وَأُتُوْا إِذْ تَادَى رَبِّهٖ أُنۡبَیَیَ الصِّرَاطِ وَأُنۡتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِیۡنَ» دلش شکسته شد، در همان لحظه چنین ادراک کرد که اگر حاجتش را از خداوند بخواهد به او اعطا می‌شود. او نیز دعا کرد و خدا فرزند صالحی به او داد و آن پسر، سیدمحمد آقا، پدر علامه طباطبایی شد.

تولد
حاصل پیوند سیدمحمد آقا و ربابه خانم، سید محمدحسین بود که در تاریخ 26 اسفند 1282 در روستای شادباد مشایخ تبریز متولد شد. سیدمحمد آقا از فرزندان ابراهیم بن اسماعیل دیباج، از نوادگان امام حسن مجتبی (ع)، فردی فاضل و مجتهد و از علما و ملاکان سرشناس تبریز و مادرشان از نوادگان امام حسین (ع)، دختر غلامعلی یحیوی از اشراف به نام تبریز بود. ربابه خانم چهار سال بعد، محمدحسن دومین پسرش را به دنیا آورد و اندکی بعد، چشم از جهان فرو بست. پنج سال بعد در سال 1291، سیدمحمد آقا درگذشت. پس از فوت پدر و مادر سید محمدحسین و سید محمدحسن، حاج میرزا باقر قاضی، پدر شهید قاضی طباطبایی، شهید محراب و از بزرگان فامیل، کفالت آنان را بر عهده گرفت. سید محمدحسین جوان در ابتدای شروع درس در آغاز دهه 1290 توفیق چندانی در فهم مطالب درسی نداشت، اما با توسل به اهل بیت و عنایت الهی، گشایش مستمر فکری و طی مدارج عالی علمی و سلوک الهی جزو شخصیت همیشگی او شد. با رسیدن محمدحسین و محمدحسن از سال 1290 تا 1296 به صورت خصوصی خواندن قرآن، گلستان، بوستان، نصاب الصبیان، اخلاق ناصری، انوار سهیلی، تاریخ عجم، منشآت امیر نظام و ارشاد الحساب را نزد شیخ محمدعلی سرایی آموختند و از سال 1297 به مدارس جدید که به تازگی وارد ایران شده و از کلاس‌های درس فرانسه با آموزش زبان فرانسوی الگوبرداری می‌کرد، شدند و تا کلاس پنجم در این مدارس درس خواندند. پسرهای سیدمحمد آقا از کلاس ششم به آموختن دروس عربی از جمله کتاب‌های صرف، تصریف و جامع المقدمات به مدرسه طالبیه تبریز فرستاد. محمدحسین و محمدحسن به دلیل هوش و گیرایی بالا دروس حوزه را به سرعت به پایان رساندند. آنان در عطش تحصیل علوم مختلف و رده بالا و به دلیل فقدان دوره‌های آموزشی بالاتر در تبریز، تصمیم به مهاجرت به نجف اشرف گرفتند، اما این تصمیم به بعد از ازدواج برادر بزرگتر موکول شد. سید محمدحسین در سن 22 سالگی در سال 1304 با قمرالسادات مهدوی طباطبایی، دختر حاج میرزا مهدی مهدوی طباطبایی، از دختران فامیل ازدواج کرد و در حدود یک سالگی نوزاد تازه متولدش، به همراه خانواده و برادرش سید محمدحسن به نجف اشرف، مهاجرت کردند. آنان برای تأمین مخارج زندگی و تحصیل شان در نجف، بخشی از اموال پدری در تبریز را فروختند و بقیه مخارج شان را از فروش محصولات اموال زراعی پدر ارتزاق کردند. با ورود خانواده طباطبایی به نجف اشرف و به دلیل وضعیت غیربهداشتی و شرایط نامناسب آب و هوای شهر نجف، نوزاد تازه متولد درگذشت. این اتفاق برای دو فرزند بعدی نیز تکرار شد. با قرار گرفتن آیت الله سید علی آقا قاضی، از اساتید به نام اخلاق، عرفان، سیر و سلوک نجف در مسیر زندگی سید محمدحسین، مسیر زندگی و سرنوشت او تغییر کرد. اگرچه همسر سید محمدحسین با سیدعلی قاضی نسبت دور فامیلی داشت اما تعاملات اجتماعی او و محمدحسین در احوالات روحی قمرالسادات که دچار سقط مکرر فرزند و افسردگی ناشی از آن بود، تأثیر شگرفی داشت. سیدعلی قاضی در دیداری که با قمرالسادات داشت، به او نوید زنده ماندن فرزند چهارم را داد حتی به او اسم نوزادش را گفت و مدتی بعد، عبدالباقی به دنیا آمد و صاحب دو خواهر هم شد. قمرالسادات 39 سال بعد در سال 1343 چشم از جهان فرو بست. علامه به همسر باوفایش عشق می‌ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. ایشان پس از مرگ همسر تا مدت‌ها هر روز بر سر قبر ایشان حاضر می‌شدند و در فقدان او اشک می‌ریخت. علامه در 61 سالگی با منصوره روزه، خواهر رضا روزه از دانشمندان عصر پهلوی ازدواج کرد. سید محمدحسین، برادر کوچکتر سید محمدحسین، اسم فامیل الهی طباطبایی را بر خود گذاشت و از عرفا و فلاسفه به نام آن زمان شد و 13 سال قبل از برادر بزرگتر در سال 1347 جان به جان آفرین تسلیم کرد.

بازگشت به وطن
آیت الله سید محمدحسین طباطبایی که در نجف اشرف به مقام اجتهاد رسید به علت ممنوع شدن خروج ارز توسط رضا شاه

پهلوی در سال 1314 و توقف انتقال پول به نجف مشکل شدید معیشتی پیدا کردند و مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و استقراض از اطرافیان گذراندند. با رسیدن پول غیرمنتظره ای که ناشی از نذر بود، علامه قرضش به طلبکاران را بازپرداخت کردند و به ایران برگشتند.

ایشان بعد از مراجعت به ایران به روستای محل تولدشان برگشتند و یک دهه به زراعت و کشاورزی مشغول شدند. سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند علامه گفت: «در مدت 10 سال بعد از مراجعه علامه از نجف به روستای شادآباد و به دنبال فعالیت های مستمر ایشان، قنات ها لایروبی و باغ های مخروبه تجدید خاک و اصلاح درخت شد و چند باغ جدید احداث شد و یک ساختمان بیلاقی در داخل روستا برای سکونت تابستانی ساختند.»

مدارج علمی

علامه طباطبایی در سال 1324 راهی قم شدند و در حوزه علمیه قم مشغول تدریس شدند. ایشان از سال 1325 کلاس تدریس تفسیر قرآن را در قم آغاز کردند و آنچه را در این کلاس ها آموزش دادند، مکتوب کرده و اولین جلد تفسیر المیزان را در سال 1334 چاپ کردند. و نگارش این تفسیر 20 جلدی حدود 17 سال طول کشید. سید عبدالباقی، پسر علامه گفت: پدرم از نظر فردی، هم تیرانداز بسیار ماهری بود و هم اسب سواری تیزتک و به راستی در شهر خودمان، تبریز بی رقیب بود، هم خطاطی برجسته بود، هم نقاش و طراح و ورزشکار، هم دستی به قلم داشت و هم طبعی روان در سرایش اشعار ناب عارفانه و اما از نظر شخصیت علمی و اجتماعی هم استاد صرف و نحو عربی بود هم معانی و بیان هم در اصول و کلام کم نظیر بود و هم در فقه و فلسفه، هم از ریاضی، حساب، هندسه و جبر حظی وافر داشت و هم از اخلاق اسلامی، هم در ستاره شناسی تبحر داشت هم در حدیث و روایت و خبر و ...

شاید باور نکنید که پدر بزرگوارم حتی در مسائل کشاورزی و معماری هم صاحب نظر و بصیر بود و سال ها شخصاً در املاک پدری در تبریز به زراعت اشتغال داشت و در ساختمان مسجد حجت در قم عملاً طراح و معماری اصلی را عهده دار بود و تازه اینها گوشه ای از فضایل آن شاد روان بود وگرنه شما می دانید که بی جهت به هر کس لقب علامه نمی دهند و همگان به خصوص بزرگان و افراد خبیر و بصیر هیچکس را علامه نمی خوانند مگر به عمق اطلاعات یک شخص در تمام علوم و فنون عصر ایمان آورده باشند ...»

ایشان اخلاق و فقه را نزد آیت الله سید علی آقا قاضی طباطبایی، خوشنویسی را نزد میرزا علینقی خطاط، علوم ریاضی را نزد آقا سید ابوالقاسم خوانساری، دروس فقه و اصول را نزد آیت الله محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی اصفهانی، آیت الله محمدحسین نائینی و آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی و فلسفه حکیم را نزد آقا سید حسین باد کوبه ای آموخت و اجازه اجتهادش را از آیت الله محمدحسین نائینی گرفت.

تفسیر

از ویژگی های منحصر به فرد علامه طباطبایی تالیف کتاب تفسیر المیزان بود. ایشان درباره علت نگارش این کتاب گرانقدر، بیان کردند: «هنگامی که به قم آمدم، مطالعه ای در برنامه درسی حوزه کردم و آن را با نیازهای جامعه اسلامی سنجدیم و کمبودهایی در آن یافتیم و وظیفه خود را تلاش برای رفع آنها دانستیم. مهم ترین کمبودهایی که در برنامه حوزه وجود داشت، در زمینه تفسیر و بحث های عقلی بود و ازاین رو درس تفسیر و فلسفه را آغاز کردم.»

علامه طباطبایی با تفسیر المیزان، روش و سیره معصومین (ع) در تفسیر قرآن به قرآن را احیا کرد. یکی از اساتید مصری در گفت وگو با مجله علمی دارالتقرب درباره تفسیر المیزان، گفت: تفسیر المیزان، تفسیری جدید است بر قرآن کریم، نوشته علامه سید محمد حسین طباطبایی که از بزرگان علمای امامیه به شمار می آیند. ... با مطالعه بخشی از کتاب، توانایی علمی نویسنده، عمق بحث ها، طرح مسائل مشکل با بیانی ساده و دوری از تعصب به مذهبی خاص، کاملاً مشهود است. ایشان، در تفسیر، شیوه خاصی را برگزیده اند و قرآن را با قرآن تفسیر کرده و از بسیاری از اقوال و آراء که اساس صحیحی ندارند یا تأویل هایی که هدف از آن تفسیر قرآن نیست، بلکه احیای یک نظریه علمی، یک اصل کلامی، یک نظریه فلسفی یا فتوای مذهبی است، اعراض کرده و پیرامون آنها بحث نمی کنند.»

فلسفه

علامه تدریس فلسفه را از نیازهای حوزه علمیه قم تشخیص دادند و به تدریس کتاب اسفار همت گماشتند. احاطه و اشراف کامل ایشان بر مسائل فلسفی که حاصل تتبعات و مطالعات طاقت فرسا بود، این قدرت را به ایشان داد که علاوه بر شمارش مسائل اصلی فلسفه به تفکیک، مسائلی که ریشه یونانی دارد از مسائلی که ریشه اسلامی دارد، تفکیک کرده و نقش فیلسوفان مسلمان در تکامل فلسفه را مشخص کردند.

از دیگر ابتکارات ایشان ترتیب منطقی مسائل فلسفی و تنظیم آن به صورت متون درسی است که در دو کتاب بدایة الحکمه و نهایة الحکمه به رشته تحریر درآمد.

تفکیک حقایق از اعتباریات، کار مهم دیگری بود که علامه به آن همت کرد. با تبیین این قاعده که مسائل جهان از علوم حقیقی و قابل اثبات با براهین دقیق علمی است اما علوم اعتباری مانند حقوق، فقه و ... از حیطه براهین عقلی خارج است، توانست مرزهای حکمت عملی و حکمت نظری را مشخص کند.

پرورش و تکمیل نظریه حرکت جوهری، تبیین و شرح حدود 70 مسئله در مبحث قوه فعل، تکمیل براهان صدیقین، مبارزه با فلسفه مادی گری و تقریب فلسفه های غرب و شرق از دیگر ابتکارات علامه در این حوزه است.

ویژگی دیگر تحقیقات فلسفی ایشان این است که علامه با تبحری خاص، مزایای حکمت متعالیه ملاصدرا را با تحلیل های منطقی ابن سینا درهم آمیخته است به بیان دیگر ایشان فلسفه عمیق صدرائی را با شیوه تحلیلی بوعلی سینا تبیین کرده است.

عرفان

عرفان و موضوعات وابسته به آن از موضوعات مورد علاقه علامه بود. ایشان با خواندن کتاب های شرح فصوص قیصری، مصباح الانس قونوی و فتوحات مکیه ابن عربی، نزد استادش میرزا علی آقا قاضی طباطبایی برای خودسازی و تهذیب نفس اشتیاق مشهودی پیدا کرد. ایشان با همراه کردن عرفان نظری و عملی، طعم شیرین حقایق عرفانی را چشید و به الگویی برای مشتاقان

ایشان شد.

فقه و اصول

عظمت علمی علامه در مباحث تفسیری و فلسفی موجب تبحر ایشان در سایر علوم شد. 10 سال بهره گیری از معلومات مرحوم کمپانی، پنج سال شرکت در مجالس درس آیه الله نائینی، چند سال بهره مندی از محضر

استاد سید ابوالحسن اصفهانی و شرکت در کلاسهای درس میرزا علی ایروانی و میرزا علی اصغر ملکی، از علامه طباطبایی، فقهی دقیق و به روز در به کارگیری اصول فقهی ساخت. ایشان، قبل از اشتغال به تدریس فلسفه و پرداختن به مباحث تفسیری، به مدت چندین سال، به تدریس اصول و فقه اشتغال داشته اند.

ریاضیات

استاد حکیم سید حسین بادکوبه ای با آگاهی از نقش عمیق ریاضیات در تقویت روشهای برهانی و فلسفی، علامه را به آموختن ریاضیات تشویق کرد و ایشان در کلاس های درس سید ابوالقاسم خوانساری از متخصصان این رشته شرکت کرد. حساب استدلالی، هندسه مسطحه و جبر استدلالی، دروسی بودند که علامه از ایشان آموخت. علامه امور فلسفی را همچون مسائل ریاضی مطرح می کردند بر همین مبنا در زمان تدریس سعی می کردند مقدمات مباحث از امور بدیهی و متعارف یا از اصولی باشد که ادله آنها قبل تر بیان شده باشد. این روش، در آثار مکتوب ایشان از جمله اصول فلسفه، بدایة الحکمه و نهاية الحکمه رعایت شده است. علامه براساس این مبنا، مسائل فلسفی را به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول، مسائلی که موضوع آنها همان موضوع فلسفه است و در نتیجه محمول آنها هم مساوی با موضوع خواهد بود، مانند مسئله اصالت وجود. گروه دوم، مسائلی که موضوع آنها قسمی از موضوع فلسفه است مانند وجود ذهنی. ایشان، با دقت فراوان، از طرح مسائل مربوط به هر گروه، در بحث گروه دیگر، پرهیز می کرد و نظم منطقی و ریاضی را در همه مسائل و در تمام احوال حفظ می کرد.

حدیث

نقش بی بدیل حدیث در تبیین آیات قرآن و استخراج احکام الهی، مورد توجه و اهتمام جدی علامه بود. ایشان با دقت و وسواس زائد الوصف کتاب بحار الانوار علامه مجلسی را سه بار مطالعه و احادیث متقن و مستند آن را انتخاب کرد. ایشان در عین حال به تصحیح نسخه ای از کتاب وسائل الشیعه پرداخت. هم چنین در تفسیر المیزان در تفسیر هر آیه بخشی را با عنوان بحث روایی مشخص کردند. عمق مباحث و نحوه نقد و بررسی روایات نشان از مهارت فوق العاده علامه در علم حدیث و دیگر علوم وابسته دارد.

ادبیات عرب

علامه با توجه به اهمیت ادبیات عرب در فهم متون دینی، تحصیل این علم را با جدیت دنبال کرد. تسلط ایشان در این حوزه در تمامی آثار ایشان به خصوص در تفسیر المیزان که تماماً به زبان عربی نوشته شد نمودی چشم گیر دارد. استاد به ادبیات فارسی نیز علاقه زیادی داشتند به نحوی که در آغاز تحصیل، بوستان و گلستان سعدی را با شور و اشتیاق نزد استادی ادیب خواندند و علاقه ایشان به شعر باعث می شد که مفاهیم بلند عرفانی و فلسفی را با عباراتی لطیف به رشته نظم درآورند.

شاگردان

مرتضی مطهری، سید محمد بهشتی، آیت الله قدوسی، محمد جواد باهنر، علامه حسن حسن زاده آملی، آیت الله جعفر سبحانی، آیت الله جوادی آملی، حسینی تهرانی، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید علی خامنه ای، سید موسی صدر، عبدالکریم موسوی اردبیلی، محمدی گیلانی، سید مهدی حسینی روحانی، محمدتقی مصباح یزدی، عزیرالله خوشوقت، حسینعلی منتظری، مهدی روحانی، شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، محمدرضا مهدوی کنی، نوری همدانی و ناصر مکارم شیرازی از مشهورترین شاگردان علامه طباطبایی هستند.

آثار علمی

آثار عربی شامل الرسائل 7 جلدی التوحیدیه، رساله الولایه، رساله النبوة والامامة، بدایة الحکمه، نهاية الحکمه، المیزان فی تفسیر القرآن، سنن النبی، الاعجاز و التحدی، الشیعة، حاشیة الکفایة، تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن، علی (ع) و الفلسفة الإلهیة، حواشی بحار الانوار آثار فارسی شامل شیعه در اسلام، قرآن در اسلام، وحی یا شعور مرموز، اسلام و انسان معاصر، حکومت در اسلام، اصول فلسفه و روش رئالیسم، علی و فلسفه الهی، خلاصه تعالیم اسلام، رساله در حکومت اسلامی، اعجاز قرآن، رساله لب اللباب و تعالیم اسلام.

آیت الله سید محمدحسین طباطبایی، بستری در بیمارستانی در شهر قم

رحلت

سید عبدالباقی طباطبایی با اشاره به وضعیت روحی علامه در آخرین روزهای حیات شان گفت: حالات مرحوم علامه در اواخر عمر دگرگون شد و مراقبه ایشان شدید شده بود و کمتر تناول می کردند و مانند استاد خود مرحوم آیت الله قاضی ابن بیت حافظ را می خواندند و یک ساعت می گریستند: کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش/ کی روی؟ ره زکه پرسى؟ چه کنی؟ چون باشی؟

هفت - هشت روز قبل از رحلت، علامه هیچ جوابی به هیچ کس نمی دادند و سخن نمی گفتند. فقط زیر لب زمزمه می کردند «لااله الاالله»

آیت الله سید عبدالکریم رضوی کشمیری، از عرفا و مجتهدان بزرگ شیعه با اشاره به احوالات علامه در آخرین ماه های حیات ایشان، تعریف کرد: شب وفات علامه طباطبایی در خواب دیدم که حضرت امام رضا (ع) درگذشته اند و ایشان را تشییع جنازه می کنند. صبح، خواب خود را چنین تعبیر کردم که یکی از بزرگان و عالمان از دنیا خواهد رفت و در پی آن، خبر آوردند که آیت الله طباطبایی درگذشت.

او ادامه داد: علامه 16 خرداد 1360 به زیارت حضرت ثامن الحجج (عل) مشرف شدند و 22 روز در مشهد اقامت کردند و بعد به جهت مناسب نبودن حالشان، او را به تهران آورده و بستری کردند. شدت کسالت طوری بود، که درمان بیمارستانی نیز نتیجه ای نداشت تا بالاخره به شهر مقدس قم که محل سکونت ایشان بود برگشتند و در منزلشان بستری شدند و غیر از خواص، از شاگردان کسی را به ملاقات نپذیرفتند، حال ایشان روز به روز سخت تر می شد، تا اینکه ایشان را در قم، به بیمارستان انتقال دادند.

سپرانجام علامه در تاریخ 24 آبان 1360 دار فانی را وداع گفتند. آیت الله کشمیری افزودند: قریب یک هفته در بیمارستان بستری شدند و دو روز آخر کاملاً بیهوش بودند تا در صبح یکشنبه 18 ماه

محرم الحرام 1402 سه ساعت به ظهر مانده به سرای ابدی انتقال و لباس کهنه تن را خلع و به حیات جاودانی مخلع شدند و برای اطلاع و شرکت بزرگان از سایر شهرستانها، مراسم تدفین به روز بعد موکول شد و جنازه ایشان روز بعد، دو ساعت به ظهر مانده از مسجد حضرت امام حسن مجتبی (ع) تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) تشییع کردند و آیت الله حاج سید محمدرضا گلپایگانی بر ایشان نماز گذاردند و در بالا سر قبر حضرت معصومه (ع) دفن شدند.

منابع: سید محمدحسین، شیعه در اسلام (طبع قدیم)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۱۳، ۱۳۷۸
طباطبایی، سیدمحمدحسین، بررسی های اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸، طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر

البيان فی الموافقه بين الحديث و القرآن
غیاثی کرمانی، سید محمدرضا، «اقيانوس حکمت: زندگی نامه علامه سید محمدحسین طباطبائی»، در مرزبان وحی و خرد:

یادنامه علامه طباطبائی ره، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱
انتهای پیام